



## پیش‌گفتار

ماه مه امسال با چهلمین سالگرد فروش و خیزش مردم استثمارشده و ستم‌دیده‌ی سراسر جهان مصادف بود. در ۴۰ سال پیش گردان استثمارشدگان و ستم‌دیدگان در ویتنام، کامبوج، لائوس، ایرلند شمالی، فلسطین، آمریکا، ایتالیا، چک‌اسلواکی، مکزیک، فرانسه و... با گام‌های ناموزون به نبرد با نظم موجود برخاسته بودند. نبردی که در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری مناسبات حاکم را به چالش گرفته و نویدبخش سیستم نوینی بود. خاطره‌ی دورانی که با امید آغاز گشت و فرایندی سرشار از ناکامی و شکست داشت هنوز در اذهان زنده است؛ «بیابید نامی بر سیستم بگذاریم». این شعار مه ۶۸ در هر دوره‌ی بحرانی که کلیت جامعه به پرسش گرفته می‌شود دوباره طنین افکن می‌شود. نام گذاردن بر سیستم، درک اجزای اجتماعی در یک مجموعه‌ی به هم پیوسته و منسجم است. امری که به گونه‌ای مداوم سلطه‌ی آن را مخدوش و مختل می‌کند؛ نظام سرمایه‌داری بدون درنظر گرفتن نقد دیالکتیکی بین کل و اجزاء تبدیل به مجموعه‌ی بی‌هویتی می‌شود که در چشم ناظران سطحی‌گرا به عنوان نظامی متعارف و قابل پذیرش جلوه می‌کند. هویت ضدانسانی و استثمارگرانه‌ی سرمایه‌داری تنها از دریچه‌ی درک کلیت آن قابل رمزگشایی است؛ آنجا که می‌توان دید که این سیستم برای تولید و بازتولید روابط نابرابر طبقاتی شکل گرفته است. ایدئولوژی مبتنی بر نظام سرمایه‌داری، تصدیق شناخت روابط میانجی‌گرانه میان سطوح مختلف جامعه است. به قول لوکاچ: "یکی از شرایط ناگزیر حفظ نظام بورژوازی، پنداربافی طبقات دیگر و باقی‌ماندن آن‌ها در سطح آگاهی طبقاتی آشفته و مبهم" و یکسان پنداشتن منافع خود با منافع طبقاتی بورژوازی است. درک سوسیالیستی نیز مبتنی بر گشودن رمز بهره‌کشی و کشف کلیت پنهان در بخش‌های ظاهراً مجزای زندگی اجتماعی این نظام غیرانسانی و دگرگونی بنیادین آن است.

در ایران سال‌های سیاه دهه‌ی شصت و هفتاد خورشیدی، بر بستر سرکوب خونین سوسیالیست‌ها، جامعه شاهد انواع نظریه‌پردازی بود که مفهوم سرمایه‌داری را به عنوان بیان روابط تعیین‌کننده‌ی اجتماعی در کلیت خود به کناری نهادند و در نتیجه به تحلیل‌های حاشیه‌ای در غلتیدند. اما نظریه در برخورد با تجربه محک می‌خورد. انسداد و بن‌بست این گونه مفهوم‌پردازی‌ها، همراه با انسداد جنبش‌های غیرسوسیالیستی مدعی تحول و اصلاح‌گرایی، بار دیگر مسأله‌ی کلیت نظام سرمایه‌داری را به چالش طلبیده است.

شماره‌ی پنجم فصل‌نامه‌ی «سامان نو» تمرکز خود را بر کاوش پیرامون مفهوم و ساختار سرمایه‌داری قرار داده است. به باور ما بدون شناخت علمی و درست از پیش‌زمینه‌ها و مکانیزم‌های ساختاری نظام کنونی سرمایه‌داری جهانی، و نیز تحولات و پیامدهای آن در جامعه ایران، نقد سوسیالیستی جامعه فقط به نقدی اخلاقی کاهش خواهد یافت. تلاش «سامان نو» بر آن است تا از یاری و مشارکت همکاران غیرایرانی این فصل‌نامه نیز بهره جوید تا تصویری هر چه دقیق‌تر از کنش‌گری‌های جهان سرمایه‌داری به دست دهد. اما آنچه موجب نگرانی است نبود و یا کمبود تحلیل‌های نظام‌مند و علمی از سیر تحول و



کارکرد سرمایه‌داری در جامعه ایران، و به ویژه در سه دهه‌ی اخیر، است. جستجوی «سامان نو» برای یافتن پژوهشی متمرکز بر تکاپوهای سرمایه‌داری پسین در ایران برای انتشار در این شماره میسر نشد. البته احتمال بسیاری است که برخی پژوهش‌های جدی انجام گرفته باشد که ما آن‌ها را نیافته‌ایم. به هر حال کمبودی جدی در این حوزه به چشم می‌خورد. ما امیدواریم که دستاورد این شماره طرح مسأله‌ای باشد برای طیف گسترده نویسندگان و پژوهش‌گران سوسیالیست ایرانی و تلاش برای تحلیل جامع سرمایه‌داری در ایران. ضرورت پرداختن به پژوهش پیرامون ماهیت سرمایه‌داری معاصر ایران از جمله مهم‌ترین وظایف پژوهش‌گران سوسیالیست است. از این روی، ایجاد گروه‌های کاری سوسیالیستی برای پژوهش پیرامون اقتصاد ایران و جهان از مهم‌ترین اهداف «سامان نو» به شمار می‌رود.

در نخستین شماره‌ی «سامان نو» نوشتاری از رابرت برنر به چاپ رسید که به برخی پیامدهای بحران بزرگ پیش‌اروی جهان سرمایه‌داری پرداخته بود. کم‌تر از یک سال از انتشار آن نگذشته که نشانه‌های ژرفای این بحران، به ویژه در بخش سرمایه‌ی مالی و عرصه‌ی انرژی، مسکن و تولید مواد غذایی، بار دیگر با شدت بیش از پیش نمایان گشته است؛ در این شماره‌ی «سامان نو» با انتشار چند مطلب به علل و پی‌آمدهای بحران اخیر سرمایه‌ی جهانی پرداخته‌ایم. در این راستا، چند جستار نیز به مناسبات اقتصادی و اجتماعی پیش‌سرمایه‌داری و سرمایه‌داری ایران اختصاص یافته است؛ برخی از این پژوهش‌ها در شماره‌ی بعد انتشار خواهند یافت.

بار دیگر بر این نکته تأکید می‌کنیم، تاکنون پژوهش جامع و دقیقی از ساختار سرمایه‌داری ایران در مقطع واپسین مرحله‌ی جهان سرمایه‌داری یعنی دوران "گلوبالیزاسیون" و سیاست "نئولیبرالیسم" انجام نیافته است؛ دوران تقریباً سی‌ساله‌ای که مصادف با روی کار بودن "جمهوری اسلامی" است. و با روی کار آمدن حکومت اسلامی نه تنها بحرانی که منجر به انقلاب شد تخفیف نیافت، بلکه به مراتب تشدید گردید.

این شماره را با اشاره به دو نکته، به خوانندگان تقدیم می‌کنیم؛ انتشار فصل‌نامه‌ای پژوهشی به منابع نیرومند تولیدگرا و امکانات گسترده نیاز دارد. کار دشوار تولید محتوای نشریه، ویراستاری و صفحه‌آرایی «سامان نو» مشارکتی گسترده‌تر از وضعیت فعلی را می‌طلبد. بی‌شک «سامان نو» توانسته است در مدتی محدود خوانندگان خود را بیابد. اما هموارسازی مسیر دشوار سوسیالیسم از پایین که «سامان نو» به آن باور دارد در گروهی گذار از وضعیت دوقطبی بودن نویسنده-مخاطب به مسیر همکاری اجتماع همبسته‌ی مشارکت‌کنندگان است. پروژه بازسازی نظری چپ در ایران به عاملینی مداخله‌گر و فعال وابسته است. در این مسیر چشم به مشارکت فعالانه‌تر شما خوانندگان عزیز دوخته‌ایم.

نکته‌ی دوم مربوط به چاپ مقاله‌ی منتشرنشده‌ای از زنده یاد حامد شهیدیان به نام «جنبش مستقل زنان» است. این نوشتار را رفیق حامد شهیدیان در سال ۱۹۹۶ برای مطالعه‌ی درونی یک محفل سوسیالیستی تهیه کرده بود که با تغییرات اندکی ویراستاری و بروز شده است. یادش گرامی باد.

**هیات تحریریه‌ی موقت «سامان نو»**

بهار ۱۳۸۷